

پیام کمیته ایالتی تهران به رفقای شرکت کننده در یادمان حماسه سیاهکل

رفقای عزیز بعد از ۴۴ سال به گرامیداشت روزی نشستیم ایم که به اعتراف دوست و دشمن یکی از مهمترین و تاثیر گذارترین وقایع تاریخ معاصر ایران است . حماسه سیاهکل آنچنان زنده است که گویی همین دیروز رفقای لز جان گذشته ما در جنگلهای سیاهکل آن را آفریدند . همواره و بدرستی نوشته های فراوان و سخنرانیهای متعدد و نشستهای مختلف در وصف درایت و شجاعت عشق و ایمان آفرینندگان حماسه سیاهکل انجام شد ولیکن نکته اصلی و مهم آن است که آنچه رفقای ما در ۱۹ بهمن ۴۹ رقم زدند تنها و تنها پاسخ درخور و شایسته بود به سالها درماندگی و رخوت و تسلیم طلبی حاکم بر جنبش کمونیستی و ایضاً جنبش اجتماعی ایران ، و بدرستی هم نتیجه مطلوب را به بار آورد . تولد فدایی موجب تولد دوباره جنبش کمونیستی ایران شد . کدام وجدان بی غرض و آگاه میتواند منکر تاثیر این حرکت در شکستن جو و تبدیل شدن م.ل به گفتمان افکار و اعمال افراد و محافل و مجامع ، گردد و دینی از گلوله های شلیک شده و خونهای جوشان ریخته شده رفقای ما در جنگلهای سیاهکل و سیاهچالهای رژیم پهلوی ، احساس نکند . ناگفته های بسیاری پیرامون جنبش فدایی مطرح است اما نکته مهم وضعیت دردناک فعلی جنبش فدایی است چرا پرچم پرافتخاری که با خون بیژنها و مسعودها و مهنوشها گلگون شده ، بر زمین افتاده است ، هر چند نمیتوان تلاش نوکیسگان و تازه به دوران رسیده های سیاسی که همواره کوشیده اند با تخریب این حرکت عرض وجود کنند ، نادیده گرفت ولیکن تاسف بار آنجاست که جنبش فدایی را خود فدایی به تلاشی کشانده . سیر تحولات سیاسی و طبقاتی جامعه و رشد مبارزه طبقاتی و تاثیر آن بر احزاب و سازمانهای سیاسی و شکل گیری مرز بندی های جدید غیر قابل انکار است . پیدایش و رشد طیفی موسوم به اکثریت که به زیر علم بورژوازی خزید گواه خوبی است ولیکن جدا همه تحولاتی که بعد از تابستان ۶۰ در جنبش فدایی رخ داد از چنین فرمولی پیروی میکرد ؟ آیا خود خواهی ها ، تنگ نظری ها ، منافع باندی و جناحی (که البته همه از خصایص جامعه طبقاتی است) تاثیری نداشته اند؟ چگونه است وقتی اسناد و نوشته های جریان X را مطالعه میکنیم همان مفاهیم و مواضع در اسناد و اوراق جریان Y و Z با قدری بازی با کلمات و چند جمله پ □ و پیش مشهود است . برآستی اختلافات ما از اشتراکات ما بیشتر است ؟ چگونه است با محافلی با اسامی پر طمطراق چون میز کتاب ، انجمن دفاع از کارگر ، انجمن دفاع از زندانی سیاسی ، فلان جریان م.ل.م و فلان جریان چپ مدرن !! (که چپ سنتی !! نقل مجال □ خنده بازارشان است) میتوانیم گرد هم آییم تا بااصطلاح اپوزسیون چپ انقلابی را شکل دهیم ولی چند نفر اعضای یک خانواده نمیتوانیم دور هم بنشینیم و جنبش فدایی را احیا کنیم؟

واقعیت دردناک و غیر قابل انکار این است که علیرغم تبلیغات و هیاهویی که گروههای چپ در برنامه های متعدد تلویزیونی ارایه میدهند ، جنبش کمونیستی ایران حال و روز بهتری از جنبش کمونیستی قبل از بهمن ۴۹ ندارد با این تفاوت که در گذشته تنها سکوت بر این جنبش حاکم بود و حال فقط حرف و حرف و حرف که نه تنها رژیم کمترین خطری را از این جنبش احساس نمیکند بلکه طبقه کارگر هم کمترین اهمیت را به آن میدهد آن هم به یک دلیل ساده ، عدم حضور در ایران ، نکته ای که خودشان بدان باور ندارند و این خوش باوری بلای جان کمونیستهای ایران است و به قول رفیق گلسرخی میپندارند مرکز زمین آنجاست که خود ایستاده اند.

بر این باوریم می‌بایست و میتوانیم ۱۹ بهمن دیگری بیافرینیم (نه بدین معنی که بار دیگر سلاح بدست گیریم و از جنگل دیگری سر برآوریم) و با احیای مجدد جنبش فدایی تأثیر بسزایی بر سیر تحولات درون جنبش کمونیستی ایران بگذاریم . جنبش خود خواهان و خود محوران نابینا نیاز به تلنگری اساسی دارد تا از این طریق بزرگترین خدمت را به طبقه کارگر ایران بنماییم. میبایست به خاطر طبقه کارگر مستاصل و خسته و ناامید ایران، به خاطر خونهای پاک بر زمین ریخته رفقای دلیرمان ، به خاطر ددمنشی ها و جنایات و غارتگریهای رژیم فاسد جمهوری اسلامی ، گرد هم آییم و یکبار برای همیشه منافع و مصالح گروهی و محفلی خود را نادیده بگیریم و طرحی نو دراندازیم تا بتوانیم با قدرت خود را داخل ایران بنمایانیم و به همه بفهمانیم فدایی همیشه زنده است چون طبقه کارگر زنده است.

کمیته ایالتی تهران ۳ / ۱۱ / ۹۳